

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۸، صفحات ۵۷-۳۵

چشم‌انداز سرمایه‌گذار خارجی و پیامدهای سیاست‌گذاری

Anabel Gonzalez, Christine Zhenwei Qiang, and Peter Kusek

ترجمه ابوطالب کاظمی

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری خارجی است. با این حال روند شکل‌گیری سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه دارای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بوده است. مهم‌ترین عوامل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، عواملی مانند ثبات قوانین و مقررات و مناسب بودن شرایط و محیط کسب‌وکار مطرح شده است. در این گزارش روند شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای منتخب در حال توسعه ارائه شده است. واژه‌گان کلیدی: سرمایه‌گذاری خارجی، کشورهای در حال توسعه، توسعه، شرکت‌های چندملیتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاری خارجی مهم‌ترین عامل توسعه

برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بزرگ‌ترین منبع تأمین مالی در حال پیشی گرفتن از پرداخت کمک‌های رسمی توسعه‌یافتگی و یا پرتفوی جریان سرمایه‌گذاری است.

در سال ۲۰۱۶، بیشتر از ۴۰ درصد یعنی حدود ۱.۷۵ تریلیون دلار از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور مستقیم در کشورهای در حال توسعه جریان داشته که منجر به بهبود سرمایه بخش خصوصی در آن‌ها شده است (شکل ۱). با این حال، تأمین اعتبار مورد نیاز برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار (SDG)^۱ عمدتاً از ورود جریان مستقیم سرمایه خارجی تحت شرایط شکننده و مناقشه‌ای (FCS)^۲ ممانعت می‌کند. برای به حداکثر رساندن تأثیر توسعه FDI و در نتیجه کمک به تحقق SDG ها، سرمایه‌گذاری خصوصی باید با وجود خطرات مرتبط، به مناطقی پردازد که هنوز سرمایه‌گذاری در آنجا راه‌اندازی نشده است. سرمایه‌گذاری‌های خارجی همچنین دانش فنی، مهارت‌های مدیریتی و سازمانی و دسترسی به بازارهای خارجی را در اختیار شما قرار می‌دهد. علاوه بر این، FDI پتانسیل قابل توجهی برای تبدیل اقتصاد از طریق نوآوری، افزایش بهره‌وری و ایجاد مشاغل با درآمد بهتر و باثبات‌تر در کشورهای میزبان، در بخش‌هایی که FDI و همچنین صنایع پشتیبانی را جذب می‌کند، ارائه می‌دهد.

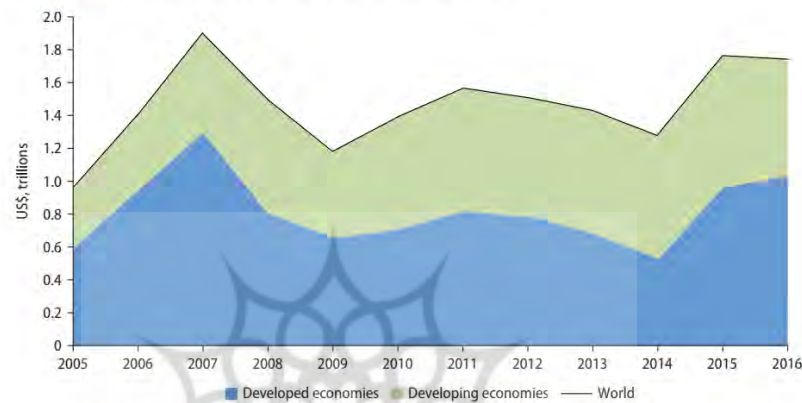
نکته مهم این است که سرمایه‌گذاران خارجی در ارائه کالاهای عمومی جهانی، رسیدگی به تغییرات اقلیمی، بهبود شرایط کار، تعیین استانداردهای جهانی صنعت و تحویل زیرساخت‌ها به جوامع محلی به طور فزاینده نقش برجسته‌ای بازی می‌کنند. این گزارش بر پایه ادبیات در برجسته کردن نقش FDI در ارتقای رشد و افزودن ارزش به بنگاه‌های داخلی، در پر کردن خلأ سرمایه‌گذاری در FCS و به طور کلی، در افزایش رقابت و ثبات است. FDI می‌تواند دستاوردهای بهره‌وری را در کشورهای میزبان تسریع کند. بدین صورت که فناوری خارجی و

1. Ustainable Development Goals
2. Fragile and Conflict-Affected Situations

دانش مرزی را به ارمغان می‌آورد که اگر توسط شرکت‌های محلی با موفقیت جذب شوند، می‌توانند به طور مستقیم بازدهی آن‌ها را بهبود بخشند.

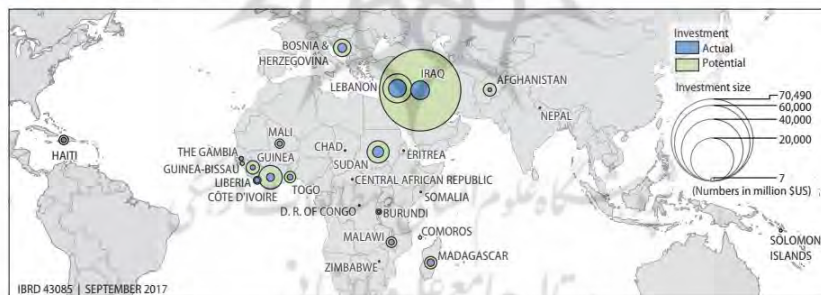
FDI همچنین می‌تواند رقابت را بین شرکت‌های موجود در بازار محلی افزایش دهد و از این طریق باعث افزایش بهره‌وری کل در بلندمدت شود.

FIGURE O.1 FDI Inflows, Global and by Development Group, 2005–16



Source: Statistics and World Investment Report 2017, United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD).
Note: FDI = foreign direct investment.

MAP O.1 FDI Flows to FCS Remain below Potential, 2008–Present



Source: Computation based on Investment Map Database, International Trade Centre; World Development Indicators, the World Bank; CEPII Database; Fragile States Index (2014), the Fund for Peace.

FDI می‌تواند به طور عمده از طریق پیوندها و کانال‌های نمایشی شرکت‌های داخلی را سود ده کند. پیوند بین شرکت‌های خارجی و شرکای محلی یا تأمین‌کنندگان می‌تواند انتقال فن‌آوری، دانش و عملکرد شرکت‌های خارجی و همچنین الزاماتی را که ممکن است به تولیدکنندگان داخلی کمک کند تا استانداردهای فنی و کیفی خود را ارتقا دهند، بهبود می‌بخشد (Du, Harrison, and Jeffers 2011; Farole and Winkler 2014).

یک مطالعه اخیر در ترکیه حاکی از آن است که تعامل بین شرکت‌های چندملیتی (MNC)^۱ و تولیدکنندگان داخلی ترکیه به ارتقای محصولات داخلی کمک کرده و آن را تسهیل داده است (Javorcik, Lo Turco, and Maggioni 2017).

تجزیه و تحلیل‌های سطح بنگاه برای لیتوانی و ویتنام نشان می‌دهد که از طریق ارتباطات بین وابستگان خارجی و تأمین‌کنندگان محلی آن‌ها در بخش بالادست، تولید مثبتی از FDI وجود دارد. اثر نمایی که در آن شرکت‌های داخلی از طریق مشاهده یا استخدام کارگرانی که شرکت‌های خارجی به آن‌ها آموزش داده‌اند، از فناوری‌های خارجی و شیوه‌های مدیریتی تقلید می‌کنند را نشان می‌دهد (Alfaro and others 2006; Barba Navaretti and Venables; 2004).

همچنین مطالعات نشان می‌دهد که سهم تحرک کارگران از MNCs به شرکت‌های داخلی در بخش‌های تولید غنا تأثیر مثبتی بر بهره‌وری بنگاه‌های داخلی داشته است. در نروژ، کارگران با تجربه قبلی، ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر از کارگران بدون چنین تجربه‌ای به بهره‌وری کمک کرده‌اند (Balsvik 2006; Görg and Strobl 2005).

شرکت‌های با رشد بالا در کشورهای میزبان بیشترین سود را از FDI می‌گیرند.

این گزارش توانایی شرکت‌های داخلی را برای بهره‌مندی از حضور MNC ها، ترسیم اطلاعات مربوط به سطح بنگاه در ۵۰ بخش تولید و خدمات و ۱۲۱ اقتصاد در حال توسعه در جهان از نظرسنجی‌های سازمانی بانک جهانی را بررسی می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که بنگاه‌های اقتصادی با رشد بالا (که زیرمجموعه شرکت‌هایی که بالاترین نرخ اشتغال‌زایی را دارند، تعریف شده‌اند) قادر به درهم آمیختگی تولید ناخالص داخلی مستقیم از طریق ارتباطات و کانال‌های نمایی هستند. برای کانال پیوند، افزایش ۱ درصدی در سهم ورودی‌های داخلی که شرکت‌های خارجی تهیه کرده‌اند، با افزایش ۰.۶ واحدی در اندازه‌گیری رشد خروجی بنگاه‌های اقتصادی با رشد بالا در ارتباط است.

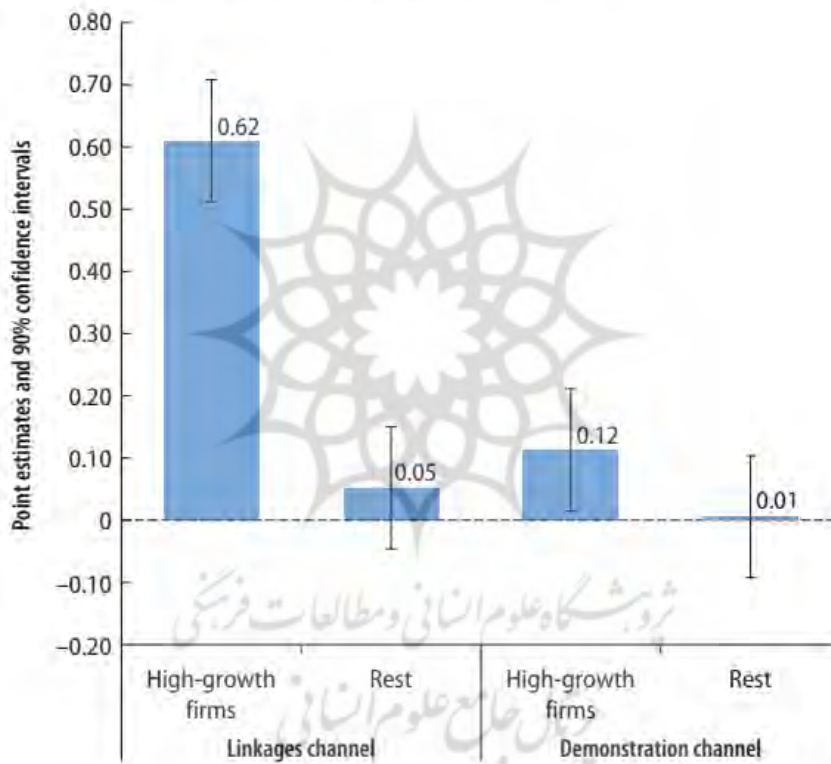
این نتیجه حاکی از افزایش ۵۸ درصدی فروش طی دو سال برای یک بنگاه با اندازه متوسط با رشد بالا است. برای کانال نمایی، افزایش ۱ درصد از سهم بازده خارجی در این بخش با افزایش

1. Multinational Corporation

۰.۱ واحدی در رشد تولید بنگاه‌های رده‌بالا یا افزایش ۱۲ درصدی فروش طی دو سال در ارتباط است. برای بنگاه با اندازه متوسط و رشد بالا (شکل ۲) معمولاً بخش‌های خصوصی با رشد بالا تنها بخش کوچکی از کل بخش خصوصی را تشکیل می‌دهند، ولی آن‌ها نقش بزرگی در ایجاد شغل و افزایش بهره‌وری دارند.

FIGURE 0.2 High-Growth Firms Benefit from the Presence of Foreign Firms

Average impact of FDI spillovers on firm growth, by firm type



آن‌ها به دلیل ظرفیت‌های جذب بهترشان توانایی تشخیص ارزش، جذب و استفاده از اطلاعات جدید، بهتر می‌توانند از مزایای FDI استفاده کنند. چنین توانایی‌هایی به این بنگاه‌ها اجازه می‌دهد تا فن‌آوری‌ها و فرآیندهای خارجی را برای بهبود بهره‌وری خود درونی کنند و از این طریق تأثیر رقابتی رقابت با شرکت‌های مستقر در خارج کشور را کمرنگ‌تر کنند.

علاوه بر این، خواسته‌های برندهای جهانی و تعهد آن‌ها به تأمین کنندگان آن‌ها، انگیزه و عاملی جدی برای عرضه کنندگان برای اتخاذ شیوه‌های جدید و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید را

ایجاد می‌کند. از دیدگاه سیاست‌گذاری، شناسایی و هدفمند کردن این موارد، تجزیه و تحلیل محدودیت‌های ظهور آن‌ها و تعمیق ظرفیت‌های جذب آن‌ها، برای رهاسازی ظرفیت‌های کامل آن‌ها اهمیت دارد. شواهد تجربی ارائه شده در این گزارش حاکی از آن است که سیاست‌هایی که پیوندهای FDI را راهی برای رشد بنگاه‌های بومی با پتانسیل بالا ترغیب می‌کنند، باعث افزایش انتقال دانش بین MNC ها و بنگاه‌های داخلی و ارائه نتایج توسعه‌ای قوی می‌شوند.

- FDI خارجی نیز از منافع اقتصادهای کشور مبدأ بهره می‌برد؛
- FDI سودآوری را نه تنها به بازارهای مقصد بلکه اقتصادهای منبع «اثرات کشور» می‌بخشد؛
- MNC های کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاری خارجی برای تقویت قابلیت‌ها و رقابت با ورود به بازارهای جدید، وارد کردن ورودی‌های میانی از شرکت‌های خارجی با قیمت‌های پایین، تولید حجم بیشتر کالاها و خدمات نهایی در خارج از کشور با هزینه کمتر و دسترسی به فناوری خارجی استفاده می‌کنند (هرزر، ۲۰۱۲).

برخی از کشورهای در حال توسعه، به جای بهره‌برداری از دارایی‌های فن آوری موجود، از طریق FDI خارجی قصد دستیابی به بازار کشورهای جدید را دارند. مطالعات موردی MNC های پیشرو از کشورهای BRICS (برزیل، فدراسیون روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) نشان می‌دهد که آن‌ها از نظر حق ثبت اختراع، دانش مدیریتی یا فرآیندهای مهم فاقد مزیت بوده و باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند شرکت‌ها را به دست آورند (هولتبروژ و کراپل، ۲۰۱۲؛ رودریگز-آرانگو و گونزالز-پرز، ۲۰۱۶؛ UNCTAD 2005).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه می‌تواند مزایای اقتصادی قابل توجهی را به اقتصاد مبدأ خصوصاً نوآوری پیشرفته بازگرداند. اکنون شبکه فن آوری با رشد و تعامل و همکاری مبتنی بر نوآوری جنوب- جنوب و جنوب- شمال در حال ظهور است (Nepelskiand De Prato, 2015).

این ممکن است تا حدی به این دلیل باشد که منشأ دانش کشورهای در حال توسعه مناسب‌تر با شرایط سایر کشورهای در حال توسعه باشد و به دلیل اینکه سطح پیچیدگی آن دانش ممکن است به راحتی توسط سایر اقتصادها در سطوح مشابه توسعه قابل جذب باشد. این گزارش می‌تواند

چگونگی افزایش ظرفیت جذب کنندگی بنگاه‌ها در بازارهای منبع را از طریق پراکندگی گسترده‌ای از مزایای خارجی در خارج از کشور میزبان عنوان کند.

علی‌رغم شواهد فراوان در مورد مزایای توسعه FDI، چشم‌انداز اقتصادی جهانی هنوز بلا تکلیف باقی مانده و تحت تأثیر خطرات تجارت و حمایت از سرمایه‌گذاری و ریسک ژئوپلیتیکی قرار دارد. در حالی که جهانی‌سازی بهره‌وری و رشد اقتصادی کل را به ارمغان می‌آورد، ممکن است برای شرکت‌های با سطح تولید پایین و کارگران کم مهارت نیز سختی ایجاد کند. پاسخ‌های آهسته سیاست‌های عمومی به الگوی سریع در حال تحول در سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی منجر به تصور غلط و سوءاستفاده بیشتر از ویژگی‌ها و اثرات احتمالی FDI می‌شود. در برخی از کشورها، مخالفان ادغام FDI بیشتر ادعا می‌کنند که تأثیرات آن غالباً محدود است و در برخی موارد نیز مضر است؛ به دلیل اینکه رقابت‌های محلی را شلوغ می‌کند، منجر به تولید پیوندهای محدود شده و «رقابت رو به پایین» در استانداردهای کار یا مسائل محیط زیستی می‌شود. جای تعجب نیست که مباحث در سیاستی به طور فزاینده‌ای بین FDI «خوب» و «بد» قائل می‌شوند. برخی معتقدند که حضور سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند با تأثیرات منفی آن بر توزیع درآمد و فرصت‌ها، به‌ویژه در مورد FDI در صنایع استخراجی، منجر به نارضایتی‌های سیاسی شود (گفتگوی بین‌المللی برای ایجاد صلح و دولت‌سازی، ۲۰۱۶). با این حال، برخی اعتقاد دارند که تجارت و FDI کشورها را در کاهش خطر درگیری تکمیل می‌کنند (پولچک و سواستینوا، ۲۰۱۲). حقیقت این است که انواع مختلف FDI وجود دارد که هر یک دارای تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بالقوه متفاوتی هستند.

علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که FDI ذاتی «خوب» یا «بد» وجود ندارد. در عوض، سیاست‌های خوب یا بدی وجود دارد که می‌تواند یا نمی‌تواند کشورها را به سمت استفاده کامل از مزایای احتمالی FDI برای توسعه بکشانند (اچندی، کرایکویووا و کیانگ، ۲۰۱۵). با توازن، بخش عمده‌ای از تحقیقات و شواهد تجربی نشان می‌دهد که FDI به رشد و توسعه در اقتصادهای گیرنده کمک می‌کند. گرچه برخی از انتقادهای فوق‌الزامی است و تأثیرات توزیع انواع مختلف FDI نیازمند مطالعه بیشتر است، اما شواهد برای چنین ادعاهایی غالباً ناخوشایند است و فقط برای زیرمجموعه‌های کوچکی از صنایع و اقتصادها کاربرد دارد. همان‌طور که این گزارش نشان

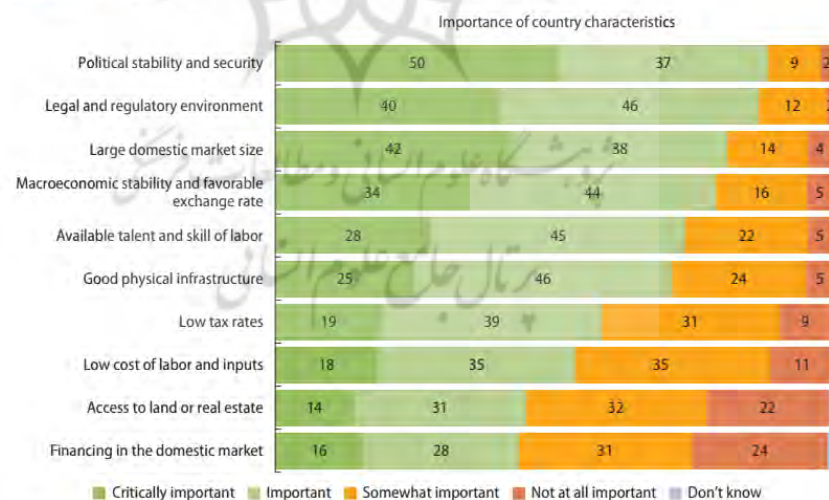
می‌دهد، مزایای FDI می‌تواند در اقتصادهایی با حاکمیت خوب، مؤسسات کارآمد و محیط‌های قانونی شفاف و قابل پیش‌بینی به شدت افزایش یابد.

علاوه بر این، همه انواع FDI و همه مراحل چرخه عمر سرمایه‌گذاری، تأثیرات یکسانی بر کشورهای میزبان ندارند. برخی از کشورها ممکن است FDI را جذب کنند، اما هنوز ورود و استقرار آن را فعال نکنند یا تأسیس آن را گسترش ندهند و گسترش آن را در اقتصاد میزبان از طریق پیوندها و سایر سرریزها گسترش دهند.

تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تحت تأثیر محاسبات ریسک - بازده قرار می‌گیرند.

سرمایه‌گذاران طیف گسترده‌ای از عواملی را در تصمیم خود برای سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرند که اندازه بازار داخلی، ثبات اقتصاد کلان و نرخ ارز مطلوب، استعداد و مهارت نیروی کار و زیرساخت‌های فیزیکی را شامل می‌شود. طبق نظرسنجی رقابت جهانی سرمایه‌گذاری (GIC) مهم‌ترین عمل در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ثبات سیاسی و یک محیط نظارتی مناسب برای تجارت است (شکل ۳).

FIGURE 0.3 Factors Affecting Investment Decisions
Share of respondents (percent)



Source: Computation based on the GIC Survey.
Note: Multinational corporation executives were asked how important these characteristics were in their decision to invest in developing countries.

ریسک‌های کلان اقتصادی، سیاسی و نظارتی - چه واقعی و چه ادراک شده - با بالا بردن محاسبات ریسک خود، سرمایه‌گذاران را باز می‌دارند. ریسک‌زدایی یا کاهش خطر در پروژه یا

کشور می‌تواند منجر به بازگشت مناسب ریسک شود و به جذب سرمایه‌گذاری خصوصی کمک کند. در غیر این صورت سرمایه‌گذاری‌هایی که سودآوری تجاری و جذابیت اقتصادی داشته باشند، ممکن است به سادگی تحقق نیابند.

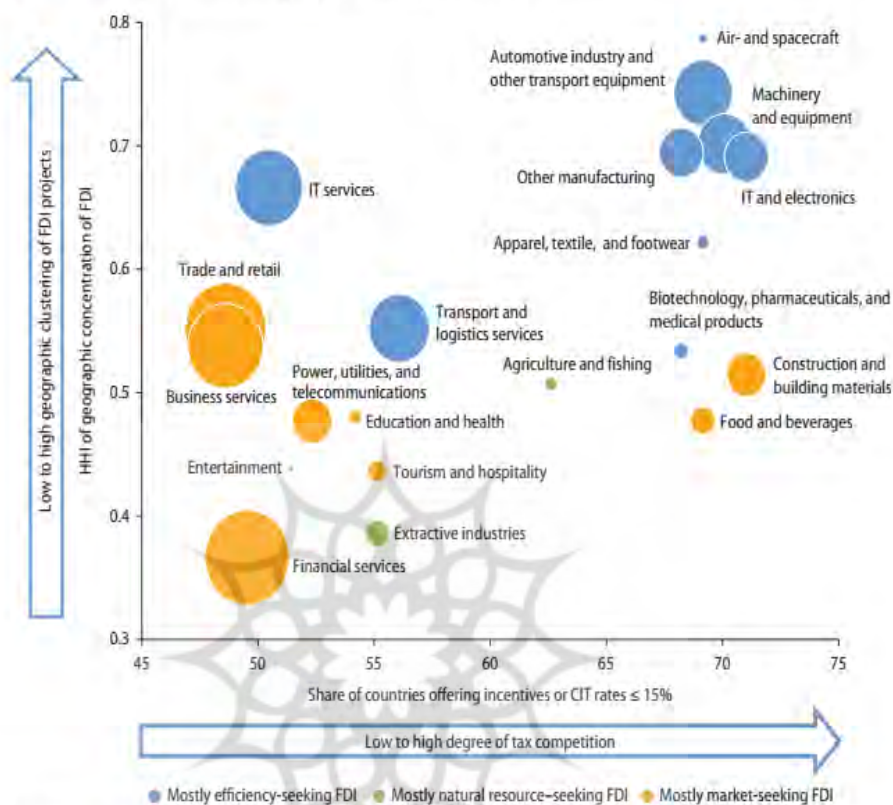
دولت‌ها در هر دو کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته از مالیات و سایر مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای کاهش هزینه‌های نسبی یا خطرات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده می‌کنند تا بتوانند FDI بیشتری را جذب کنند، غالباً بین انواع مختلف FDI تفاوت نمی‌کنند. با توجه به اینکه اکثر کشورها مشوق‌هایی را ارائه می‌دهند، آژانس‌های ارتقای سرمایه‌گذاری برای جبران جغرافیای نامطلوب، اندازه کوچک و یا فاصله از بازارها، برای ارائه جذابیت برای سرمایه‌گذاران خارجی، با فشار روبه‌رو هستند یا حتی از پیشنهادهای کشورهای رقیب پیشی می‌گیرند. با این حال، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری فقط هنگامی وابسته می‌شوند که سرمایه‌گذاران بین مکان‌های مشابه تردید کنند.

در جاهایی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دسترسی به بازارهای داخلی یا منابع طبیعی تشویق می‌شود، مشوق‌ها معمولاً دارای ارزش محدود هستند. با این حال، در بخش‌هایی که FDI به طور عمده به دنبال کارایی است (به عنوان مثال، تولید فناوری اطلاعات (IT) و الکترونیک، ماشین‌آلات و تجهیزات، خودرو، فضاپیمای هوایی و بیوتکنولوژی و داروسازی)، رقابت برای FDI زیاد است و غالباً انگیزه‌هایی برای رقابت ارائه می‌دهند. در این بخش‌ها، بیشتر پروژه‌های FDI در تعداد محدودی از کشورهای میزبان موفق طبقه‌بندی می‌شوند. در عین حال، استفاده از مشوق‌ها به‌ویژه در این بخش‌ها شایع است (شکل ۴ ربع فوقانی سمت راست).

پرتال جامع علوم انسانی

FIGURE 0.4 Prevalence of Incentives and FDI Concentration

(Incentives are used most in sectors with high competition for efficiency-seeking FDI)



Source: Developing Country Tax Incentives database and FDI data from FDI Markets database, the Financial Times.
 Note: The size of each bubble represents the number of FDI projects within the sector in developing countries. This was constructed based on information from the FDI Markets database. CIT = corporate income tax; FDI = foreign direct investment; HHI = Herfindahl-Hirschman Index; IT = information technology.

این نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه از مشوق‌های استراتژیک در بخش‌هایی که سهم بالایی از FDI را دارند و در آنجا رقابت محلی برای FDI به شدت بالا است، استفاده می‌کنند. همچنین آشکار می‌کند گرچه مشوق‌ها ممکن است بخش مهمی از گزاره ارزشی برای سرمایه‌گذاران متقاضی کارایی باشد، ولی شرط کافی برای ورود FDI نیستند؛ زیرا FDI به دنبال حداکثر کردن کارایی و منفعت است و تمایل دارد که با وجود تمرکز جغرافیایی در مکان‌های نسبتاً معدودی متمرکز شود.

در دسترس بودن دامنه مشوق‌ها

استفاده بیشتر از مشوق‌های سرمایه‌گذاری هدفمند، شفاف و مقرون به صرفه می‌تواند تأثیر آن‌ها را بهبود بخشد. با هدف قرار دادن مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاران که احتمالاً به آن‌ها پاسخ می‌دهند،

کشورهای در حال توسعه می‌توانند ضرر و زیان غیر ضروری مالیاتی ناشی از مشوق‌های اعطا شده به بنگاه‌هایی را که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، کاهش دهند. این امر مستلزم درک کاملی از نوع و انگیزه FDI در کشور و همچنین اهداف سیاست‌گذاری است. در عین حال، پیشرفت در طراحی، شفافیت و استفاده از مشوق‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌های غیرمستقیم و پیامدهای ناخواسته از جمله تحریف اقتصادی و فساد کمک کند. چنین اصلاحات سیاسی می‌تواند نسبت هزینه و فایده انگیزه‌ها را بسیار بهبود بخشد.

دولت‌ها نقش مهمی در سرمایه‌گذاری خصوصی ریسکی دارند

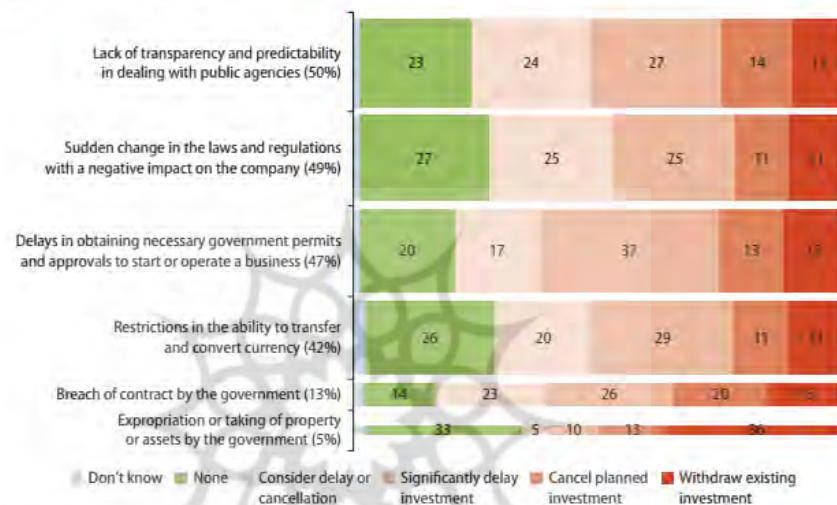
کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری خصوصی در سطح پروژه باعث عدم جبران قوانین و مؤسسات ریسک‌پذیری در سطح کشور می‌شود. مشوق‌های سرمایه‌گذاری یا ضمانت سرمایه‌گذاری غالباً برای تقویت رقابت محلی یا قابلیت اطمینان سرمایه‌گذاری برای پروژه‌ها یا بخش‌های خاص استفاده می‌شود؛ اما نقاط ضعف سرمایه‌گذاری باید در ابتدا مرتفع شود. اگر عناصر اساسی در سطح کشور وجود نداشته باشد، بعید است که سرمایه‌گذاران حتی به سخاوتمندترین بسته‌های تشویقی پاسخ دهند که فقط می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های غیرقابل اجتناب را جلب کنند. دولت‌ها می‌توانند با استفاده از یک سیاست و چارچوب نهادی که از یک فضای تجاری فعال و تضمین‌کننده حکمرانی خوب برخوردار است، خطرات سرمایه‌گذاران خصوصی را کاهش دهد. از آنجایی که مقررات و مؤسسات قابل اعتماد برای ایجاد خطر برای سرمایه‌گذاری خصوصی در سطح کشور مهم هستند، آن‌ها یک عنصر به طور فزاینده مهم در برنامه حداکثر رساندن موارد مالی برای توسعه هستند. در این گزارش، ریسک‌زدایی شامل حذف یا کاهش ریسک‌های سیاسی و نظارتی ناشی از اقدام دولت، ایجاد ثبات در اقتصاد کلان و زیرساخت‌های خوب با هدف جذب سرمایه‌گذاری خصوصی است.

خطرات سیاسی گسترده هستند و سلب مالکیت، محدودیت در انتقال و تبدیل، نقض قرارداد، اقدامات غیرقابل پیش‌بینی و خودسرانه، تبعیض و عدم شفافیت نظارتی را شامل می‌شوند. از دست دادن سرمایه‌گذاری و آسیب‌های مرتبط با روابط هماهنگ بلندمدت با یک سرمایه‌گذار می‌تواند به عنوان یک ناتوانی برای کشور در حال توسعه قلمداد شود. همچنین ریسک سیاسی مربوط به رفتار دولت سیگنال‌های منفی را برای سرمایه‌گذاران آتی ارسال و اثرات شدیدی ایجاد می‌کند.

بیش از سه چهارم سرمایه‌گذاران مورد بررسی در این گزارش با نوعی از خطر سیاسی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود در کشورهای در حال توسعه روبه‌رو شده‌اند. در موارد شدید، مانند سلب مالکیت، حدود نیمی از سرمایه‌گذاران یک سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده را لغو کرده یا یک سرمایه‌گذاری قبلی را پس گرفتند (شکل ۵).

FIGURE 0.5 Political Risks Are Prevalent and Discourage FDI

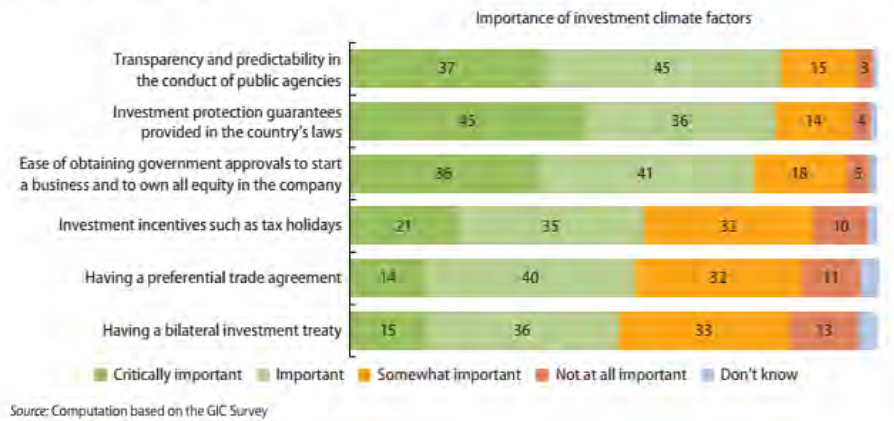
Share of respondents (percent)



Source: Computation based on the GIC Survey.
Note: FDI = foreign direct investment.

معمولاً حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاران در برابر چنین ریسکی صورت می‌گیرد که تحت عنوان «ضمانت حمایت از سرمایه‌گذار» بوده و معمولاً در چارچوب قانونی داخلی یک کشور و توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی در آن (IIA) درج شده است. در بررسی این گزارش، ۸۱ درصد از سرمایه‌گذاران حمایت‌های قانونی کشور و ۵۱ درصد از معاهدات سرمایه‌گذاری دو طرفه را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود مهم ارزیابی کرده‌اند (شکل ۶).

FIGURE 0.6 Regulatory Predictability and Efficiency Are Critical
Share of respondents (percent)



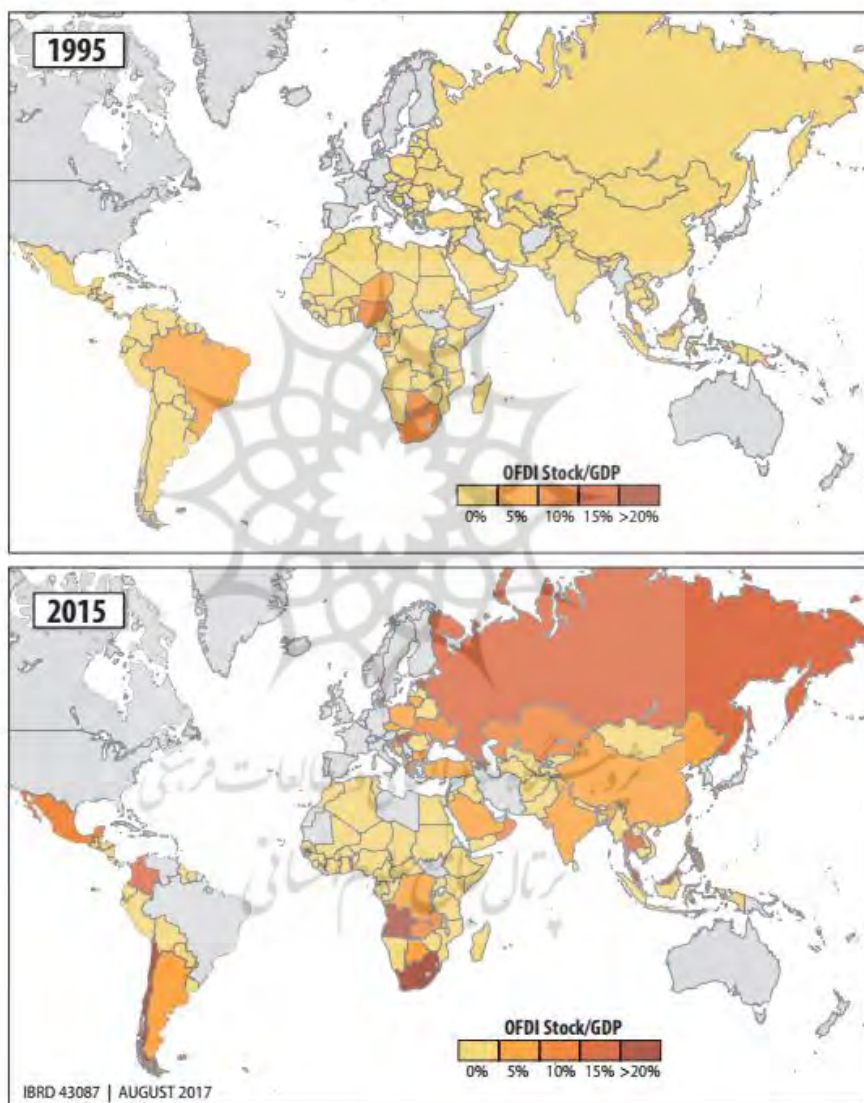
سرمایه‌گذاران همچنین به دنبال پیش‌بینی و کارایی در اجرای قوانین و مقررات هستند (شکل ۶). حدود چهار پنجم سرمایه‌گذار مورد بررسی، میزان شفافیت و پیش‌بینی رفتار سازمان‌های عمومی و سهولت انجام کار را به عنوان تعیین‌کننده‌های مهم تصمیمات محلی خود ارزیابی می‌کنند. این تعجب‌آور نیست؛ زیرا بسیاری از کشورهای در حال توسعه بروکراسی‌های ناکارآمد، مقررات غیرشفاف، روش‌های پیچیده و هزینه‌های بالای معاملات را دارند که همه این‌ها می‌تواند رقابت آن‌ها را تضعیف کند. بیش از یک سوم سرمایه‌گذاران این‌ها را به عنوان فاکتورهای مهم یا عوامل مهم توافق‌نامه ارزیابی می‌کنند. پیش‌بینی و کارایی مؤلفه‌های اساسی تعامل سالم و پایدار بین MNCها و دولت‌های میزبان است که شامل خود مقررات و اجرای آن‌ها است.

MNC های کشور در حال توسعه امروزه منبع فزاینده FDI هستند

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه در دو دهه گذشته بیست برابر افزایش یافته است و تقریباً یک پنجم از جریان‌های جهانی مستقیم در سال ۲۰۱۵ را تشکیل می‌دهند. به همین ترتیب، سهم MNC های جنوبی در توسعه اقتصادی بازارهای نوظهور قابل توجه است، به‌ویژه با توجه به اعتماد به نفس پایین سرمایه‌گذاران که امروزه در بین MNC های سنتی شمالی رایج است. علی‌رغم افت در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طرف کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۷ این میزان ۵۷ درصد افت داشته است، ولی در کشورهای در حال توسعه ۱۹ درصد افزایش یافته است (OECD, 2014).

در حالی که کشورهای در حال توسعه بزرگ‌تر، به ویژه BRICS، این پدیده را هدایت می‌کنند، اکنون حدود ۹۰ درصد از کشورهای در حال توسعه از نظر اندازه و سطح درآمد، در حال انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (OFDI) هستند (نقشه ۲).

MAP D.2 Growth of OFDI in Most Developing Countries



Source: UNCTAD and World Development Indicators, World Bank.

هر دو انتخاب سیاست داخلی در کشورهای در حال توسعه و شرایط اقتصادی جهانی تغییراتی در چشم‌انداز سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است. شرکت‌های سنگاپور و سایر اقتصادهای بزرگ در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ به عنوان یک استراتژی توسعه برای «دستیابی به کارایی در تخصیص منابع و متنوع کردن خطرات ناشی از شوک‌های اقتصادی در هر منطقه» استفاده کردند (لی، لی و یو، ۲۰۱۶).

بنگاه‌های اقتصادی در سایر اقتصادهای در حال توسعه نیز چنین تلاش‌هایی را به دست آوردند، به طوری که OFDI به طور فزاینده‌ای به عنوان وسیله‌ای برای دسترسی به بازارها، سرمایه، فناوری و دانش در بازارهای بین‌المللی شناخته می‌شود و از این رو باعث افزایش سطح بنگاه و رقابت ملی می‌شود (لو، خو و هان، ۲۰۱۰). همچنین شرایط اقتصادی جهانی بنگاه‌های در حال توسعه را به سمت «OFDI» کشانده است. اول، رشد سریع و پایدار در بیشتر کشورهای جهان در حال توسعه طی دو دهه گذشته به رشد و پیشرفت و پیشرفت و به تبع آن بین‌المللی شدن کمک کرده است. دوم، چرخه فوق‌العاده کالاها (تا همین اواخر) به صادرکنندگان بزرگی از کشورهایی که در حال توسعه بودند، سودهای بزرگی وارد کرده و نقدینگی قابل توجهی ایجاد کرده است که تا حدی برای تأمین مالی OFDI استفاده شده است.

ظهور کشورهای در حال توسعه به عنوان منبع اصلی FDI این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا آن‌ها از نظر متولیان کشوری با کشورهای توسعه‌یافته تفاوت دارند و احتمال تحمل OFDI خود را دارند؟ بررسی سرمایه‌گذاران این گزارش و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که کشور در حال توسعه OFDI نسبت به تعیین‌کننده‌های مکان‌یابی اقتصاد میزبان استاندارد (به عنوان مثال، اندازه بازار، سطح درآمد، فاصله، زبان مشترک، پیوندهای استعماری) و به همان روشی که کشور توسعه‌یافته OFDI واکنش نشان می‌دهد. هر دو به اقتصادهای بزرگ و رو به رشدی جذب می‌شوند که از لحاظ جغرافیایی نزدیک و از نظر فرهنگی مشابه هستند.

سرمایه‌گذاران کشور در حال توسعه تمایل بیشتری برای هدف قرار دادن اقتصادهای کوچک‌تر و نزدیک‌تر (Arita, 2013) در یک استراتژی «گام‌به‌گام» دارند. شواهد نشان می‌دهد که برخی از این بنگاه‌ها رقابت در بازارهای بزرگ‌تر، رقابتی‌تر و دورتر را دشوار می‌کنند، به‌ویژه به این دلیل که غالباً فاقد شبکه و تجربه بنگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته هستند. مطالعات مربوط به آسیا و آمریکای

لاتین نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران منطقه‌ای معمولاً تنها پس از گسترش موفقیت آمیز در اقتصادهای کوچک و با درآمد کمتر در همان منطقه، به بازارهای بزرگ‌تر و پیچیده‌تر گسترش می‌یابند (Cuervo-Cazurra, 2008; Gao, 2005).

سرمایه‌گذاران منطقه‌ای و کشوری در حال توسعه بازارهای با ریسک بالاتر را هدف قرار می‌دهند.

سرمایه‌گذاران کشورهای در حال توسعه همچنین ممکن است تمایل بیشتری برای هدف قرار دادن بازارهای پرخطر در اقتصاد میزبان با کیفیت نهادینه ضعیف‌تر داشته باشند. در سال ۲۰۰۱، فقط ۱۱ کشور در جهان در حال توسعه (۵ مورد در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، ۵ مورد در اروپا و آسیای میانه، ۱ مورد در آمریکای لاتین و کارائیب) نیمی یا بیش از نیمی از سهام خارجی خود را که از سرمایه‌گذاران سایر کشورهای در حال توسعه به دست آورده بودند، در سال ۲۰۱۲، این تعداد به ۵۵ کشور رسیده است. کشورهای در حال توسعه منبع مهمی از FDI برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا، اروپا و آسیای مرکزی و آسیای جنوبی هستند. با وجود بسیاری از این اقتصادهای میزبان که سطح پایینی از توسعه اقتصادی را دارند، چنین روندهایی با ادبیات مطابقت دارند که باعث می‌شود کشور در حال توسعه OFDI به دلیل استدلال «مزیت نهادی» از محیط‌های ضعیف سازمانی و اقتصادی کشور میزبان کمتر دل‌سرد شود (CuervoCazurra, 2008).

این استدلال نشان می‌دهد که مدیران MNC های کشورهای در حال توسعه عادت بیشتری به عدم اطمینان دارند و ممکن است در برخورد با شیوه‌های نظارتی غیرقابل پیش‌بینی و رویه‌های اداری شفافیت کمتری داشته باشند. مطالعات متعدد این استدلال را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران OFDI کشور در حال توسعه در کشورهای کم توسعه یافته نسبتاً بیشتر حضور دارند. برخی نشان‌دهنده رابطه معکوس بین ریسک سیاسی کشور میزبان است (به عنوان مثال، چین).

خطرات در FCS از اختلال در امنیت و زنجیره ارزش گرفته تا عدم قطعیت نظارتی، مالی و شهرت باعث می‌شود سرمایه‌گذاران خارجی تمایلی به تعامل نداشته باشند. در بسیاری موارد، دولت‌ها ظرفیت و پایه درآمد برای انجام وظایف اساسی را ندارند. اغلب، مؤسسات غیررسمی و غیرانحصاری خلأ حاکمیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین شرکت‌ها با شرایط نامساعدی در بازار مشابه با سایر کشورهای کم درآمد مانند محیط‌های ضعیف کلان اقتصادی و نظارتی، تنگناهای

زیرساخت‌ها و عرضه محدود نیروی کار ماهر، همراه با تقاضای کم مواجه هستند. با این حال، برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منجر به از بین رفتن سرمایه‌های جسمی و انسانی و کاهش کنترل دولت در محیط‌های تجاری با ریسک بالا می‌شود. در نتیجه، FDI در FCS فقط ۱ درصد از جریان‌های جهانی را نشان می‌دهد، علی‌رغم افزایش ده برابر در دو دهه گذشته، توزیع مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم به FCS هنوز هم در تعداد از اقتصادهای با درآمد متوسط یا منابع غنی متمرکز است.

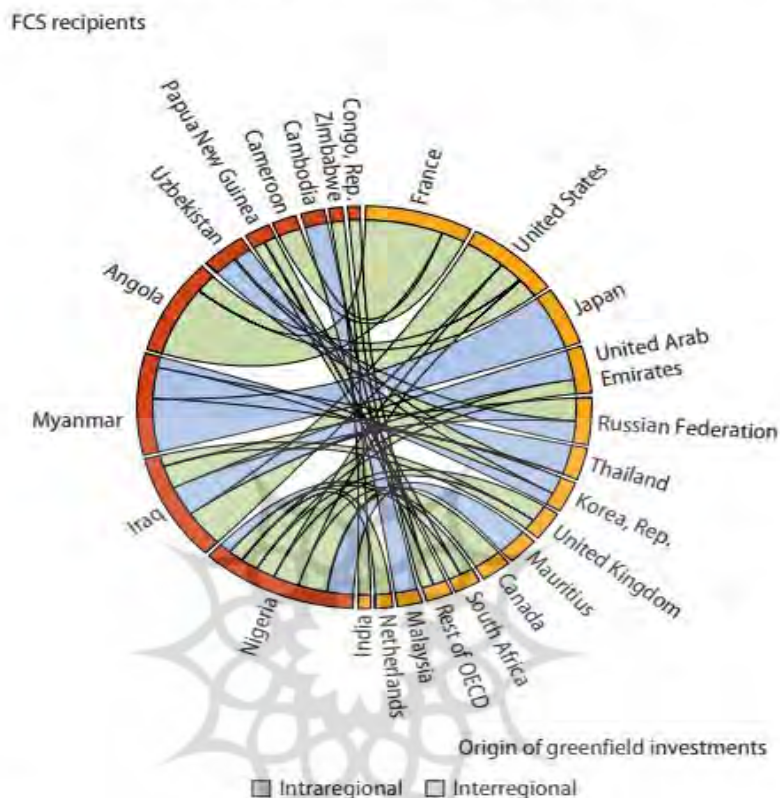
چنین سرمایه‌گذاری‌های مستقیمی سرمایه‌گذاری بخش‌های معدودی را هدف قرار می‌دهد و همه این‌ها سرمایه‌های فشرده و پایدار هستند که بیشتر به دلیل تقاضای خارجی است. سرمایه‌گذاران هنگام ورود به بازارهای FCS محتاط‌تر عمل می‌کنند. آن‌ها تمایل دارند به پروژه‌های کوچک‌تری متعهد شوند که برای هر دلار سرمایه‌گذاری کمتر اشتغال ایجاد می‌کنند و تمایل دارند سرمایه‌گذاری خود را به صورت مکانی در پایدارترین مناطق یا شهرها در FCS متمرکز کنند.

سرمایه‌گذاران منطقه‌ای ممکن است یک مزیت نسبی در زمینه‌های FCS نسبت به شرکت‌های جهانی داشته باشند. مقدار قابل توجهی سرمایه‌گذاری گرینفیلد در FCS از شرکت‌های منطقه‌ای تأمین می‌شود (شکل ۷). ردپای سرمایه‌گذاری فرانسه و انگلیس در آفریقا و خاورمیانه بزرگ است، اما سرمایه‌گذاری‌های Greenfield (به عنوان مثال، از روسیه گرفته تا ازبکستان، مالزی تا کامبوج، آفریقای جنوبی تا نیجریه، ژاپن و تایلند تا میانمار و امارات متحده عربی تا عراق) تأیید می‌کنند که سرمایه‌گذاری درون‌منطقه‌ای در FCS در مقیاس بزرگ صورت می‌گیرد.

سایر سرمایه‌گذاران منطقه‌ای شامل شرکت‌هایی از لبنان که در کشورهای همسایه خاورمیانه سرمایه‌گذاری می‌کنند، شرکت‌هایی از مراکش که در بازارهای آفریقای شمالی در حال گسترش هستند و شرکت‌های نیجریه در آفریقای غربی در حال گسترش هستند. این بنگاه‌ها از دانش برتر خود در زمینه محلی و وابستگی آن‌ها به بازارهای هدف خود بهره می‌گیرند. در نتیجه، چنین سرمایه‌گذارانی از مقاومت بالاتری برخوردار هستند و ریسک بیشتری به خرج می‌دهند (برای مثال تعهد به پروژه‌های بزرگ‌تر) و بازده کمتری را قبول می‌کنند.

FIGURE D.7 Regional Investment Occurs on a Large Scale

Origins of greenfield FDI project announcements in FCS (2008–16)



Source: Computation based on FDI Markets database, Financial Times.
 Note: Origins (on the right side of the chord diagram, in orange) and FCS destinations (on the left side, in red) of greenfield projects exceeding US\$3 billion since 2008. Blue chords indicate intra-regional investment. FCS = fragile and conflict-affected situations; FDI = foreign direct investment; OECD = Organisation for Economic Co-operation and Development.

اولین جابجایی‌هایی که تمایل به سرمایه‌گذاری پیشگام در محیط‌های چالش‌برانگیز در FCS هستند برای علامت‌دهی به ماندگاری فرصت‌های شغلی در این بازارها بسیار مهم است. MNC هایی که در FCS فعالیت می‌کنند، معمولاً از نظر مقیاس، کارمندان و موقعیت مکانی که می‌خواهند هم‌زمان چندین چالش و خطرات را برطرف کنند، گزینه‌های استراتژیک محسوب می‌شوند. برخی از استراتژی‌های پاسخگویی را که مصاحبه با سرمایه‌گذاران ثبت کرده است (IFC, 2017) شامل سیستم‌های مدیریت یکپارچه انبارها و مکان‌های تولید استراتژیک و دقیق

است. سرمایه‌گذاری‌های مرحله‌ای تلاش برای رسیدن به استانداردهای بین‌المللی و انعطاف‌پذیری در مقیاس، عرضه و برنامه‌های تجاری را شامل می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های پیشگام می‌توانند به دولت‌های کشور میزبان کمک کنند تا مقررات و خدمات پشتیبانی را توسعه دهند، بازارهای تجاری و مصرفی ایجاد کنند و اثرات خارجی مثبت به وجود آورند. آن‌ها همچنین به سایر سرمایه‌گذاران اثر نمایشی مبنی بر اینکه کشورها و بازارهای هدف علی‌رغم درک خطر در معرض سرمایه‌گذاری‌های مناسب مالی هستند را نشان می‌دهند.

اصلاحات اقلیمی سرمایه‌گذاری عدم اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی بودن را کاهش می‌دهد

اصلاحات اقلیمی برای سرمایه‌گذاری لازم است تا بازارها از جنگ به سمت صلح و از شکنندگی به سمت انعطاف‌پذیری حرکت کنند. پاسخ‌های سطح صحیح در دستیابی به آنچه محدود است، می‌توانند محدود باشند - ممکن است سرمایه‌گذاران تلاش کنند شرکت‌های خود را از این راه دور نکنند، اما آن‌ها فقط می‌توانند در مقابله با آن‌ها تا این حد پیش بروند و نمی‌توانند این راهکارها را به صورت جامع و سیستمی برطرف کنند. با این حال، اصلاحات اقلیمی سرمایه‌گذاری متناسب با شرایط FCS، می‌تواند به سمت کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاران و ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری گام بردارد. ظرفیت محدود بسیاری از دولت‌ها در FCS، همراه با ضرورت بازده مثبت از تلاش‌های اصلاحات، نیاز به ترتیب‌بندی مناسب و اولویت‌بندی مداخلات را دارد.

مشارکت اقلیمی سرمایه‌گذاری باید با تضمین سودهای کوتاه‌مدت و در عین حال حرکت برای تحول عمیق‌تر نهادینه شدن در بلندمدت، به شکلی متوازن اجرا شود. ساده‌سازی مقررات، رفع موانع ورود سرمایه‌گذاری و رفع محدودیت‌های زیرساختی (به عنوان مثال دسترسی به برق و ترانزیت) از مهم‌ترین سیگنال‌های اعتماد و ایجاد انگیزه است که می‌تواند نتایج اولیه تولید کرده و یک واکنش مثبت بخش خصوصی را برانگیزد. توسعه زنجیره ارزش از طریق ایجاد مهارت، دسترسی به امور مالی و فناوری و اتصال تولیدکنندگان به بازارها می‌تواند مداخلات مرحله دوم مناسب برای FCS باشد (گروه بانک جهانی، ۲۰۱۱). اصلاحات نهادی عمیق‌تر ممکن است بیش از پیش به طول انجامد - برای دستیابی به کیفیت حکمرانی کارآمد، کشورهایی که با سرعت بسیار سریع اصلاحات

در قرن بیستم به طول انجامیدند- طول برد و دامنه و سرعت اصلاحات خود عوامل خطر (گروه بانک جهانی، ۲۰۱۱)؛ اما تقویت نهادهای عمومی که امنیت، عدالت و شغل را برای شهروندان فراهم می‌کند برای شکستن چرخه خشونت بسیار مهم است.

منابع

- Alfaro, L., A. Chanda, S. Kalemli-Ozcan, and S. Sayek (2006). "How Does Foreign Direct Investment Promote Economic Growth? Exploring the Effects of Financial Markets on Linkages." NBER Working Paper 12522, National Bureau of Economic Research, Cambridge,
- MA. Alfaro, L., and A. Rodriguez-Clare. (2004). "Multinationals and Linkages: Evidence from Latin America." *Economia* 4: Pp. 70-113.
- Alfaro, L. and M. X. Chen. Forthcoming. "Selection and Market Reallocation: Productivity Gains from Multinational Production. *American Economic Journal: Economic Policy*.
- Arita, S. (2013). "Do Emerging Multinational Enterprises Possess South-South FDI Advantages?" *International Journal of Emerging Markets* 8 Vol. (4). Pp. 53-329.
- Arnold, J., B. S. Javorcik, and A. Mattoo. (2011). "Does Services Liberalization Benefit Manufacturing Firms? Evidence from the Czech Republic." *Journal of International Economics* Vol. 85 (1). Pp. 46-136.
- Balsvik, R. (2006). "Is Mobility of Labour a Channel for Spillovers from Multinationals to Local Domestic Firms?" Mimeo. Norwegian School of Economics.
- Barba Navaretti, G., and A. Venables. (2004). *Multinational Firms in the World Economy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Barnard, R., M. de Bruyn, N. Kempson, and P. McLaren. (2014). "Sector Case Study: Mining." In *Making Foreign Direct Investment Work for Sub-Saharan Africa*, edited by T. Farole and D. Winkler, 62-117. Washington, DC: World Bank.
- Bijsterbosch, M., and M. Kolasa. (2009). "FDI and Productivity Convergence in Central and Eastern Europe: An Industry-Level Investigation." ECB Working Paper 992, European Central Bank, Frankfurt.

- Cuervo-Cazurra, A (2008). "The Multinationalization of Developing Country MNEs: The Case of Multilatinas." *Journal of International Management*. Vol. 14 (2). Pp. 54–138.
- Cuervo-Cazurra, A., and M. Genc. (2008). "Transforming Disadvantages into Advantages: Developing-Country MNEs in the Least Developed Countries." *Journal of International Business Studies* Vol. 39 (6)Pp. 79–957.
- Cui, L., and F. Jiang. (2009). "FDI Entry Mode Choice of Chinese Firms: A Strategic Behavior Perspective." *Journal of World Business* Vol. 44 (4). Pp. 434–44.
- Dollar, D. (2016). "China as a Global Investor." In *China's New Sources of Economic Growth: Vol. 1: Reform, Resources and Climate Change*, edited by Ligang Song, Ross Garnaut, Cai Fang and Lauren Johnston. Australia National University Press, Acton.
- Duanmu, J.-L., and Y. Guney. (2009). "A Panel Data Analysis of Locational Determinants of Chinese and Indian Outward Foreign Direct Investment." *Journal of Asia Business Studies* Vol. 3 (2). Pp. 1–15.
- Du, L., A. Harrison, and G. Jefferson. (2011). "Do Institutions Matter for FDI Spillovers? The Implications of China's 'Special Characteristics' NBER Working Paper 16767, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA.
- Echandi, R., J. Krajcovicova, and C. Z. W. Qiang. (2015). "The Impact of Investment Policy in a Changing Global Economy: A Review of the Literature." Policy Research Working Paper 7437, World Bank, Washington, DC.
- Farole, T., and D. Winkler, eds. (2014). "Making Foreign Direct Investment Work for Sub-Saharan Africa": Local Spillovers and Competitiveness in Global Value Chains. *Directions in Development*. Washington, DC: World Bank.
- Gao, T. (2005). "Foreign Direct Investment from Developing Asia: Some Distinctive Features." *Economics Letters* Vol. 86 (1). Pp. 29–35.
- Görg, H., and E. Strobl. (2005). "Spillovers from Foreign Firms through Worker Mobility: An Empirical Investigation." *Scandinavian Journal of Economics*, Vol. 107 (4). pp. 693–709.
- Herzer, D. (2012). "How Does Foreign Direct Investment Really Affect Developing Countries' Growth?" *Review of International Economics*. Vol. 20 (2). Pp. 396–414.
- Holtbrügge, D., and H. Kreppel. (2012). "Determinants of Outward Foreign Direct Investment from BRIC Countries: An Explorative Study." *International Journal of Emerging Markets* Vol. 7 (1). Pp. 4–30. <https://doi.org/10.1108/17468801211197897>.
- IFC (International Finance Corporation). (2017). *Private Enterprise in Fragile and Conflict Situations*. Washington, DC. Forthcoming. *Multinational Corporations: Important Partners of IFC to Foster Global Economic Integration and Value Addition*. Washington, DC.

- International Dialogue for Peace-Building and State-Building. (2016). International Standards for Responsible Business in Conflict-Affected and Fragile Environment. Paris: OECD.
- Javorcik, B. S. (2004). "Does FDI Increase the Productivity of Domestic Firms? In Search of Spillovers through Backward Linkages." *American Economic Review* Vol. 94 (3). Pp. 27–605.
- Javorcik, B. S., A. Lo Turco, and D. Maggioni. (2017). "New and Improved: Does FDI Boost Production Complexity in Host Countries?" CEPR Discussion Paper DP11942.
- Javorcik, B. S., and M. Spatareanu. (2009). "Tough Love: Do Czech Suppliers Learn from Their Relationships with Multinationals?" *Scandinavian Journal of Economics* Vol. 111 (4). Pp. 33–811.
- Kang, Y., and F. Jiang. (2012). "FDI Location Choice of Chinese Multinationals in East and Southeast Asia: Traditional Economic Factors and Institutional perspective." *Journal of World Business* Vol. 47. Pp. 45–53
- Lee, C., C. G. Lee, and M. Yeo. (2016). "Determinants of Singapore's Outward FDI." *Journal of Southeast Asian Economies* Vol. 33 (1). Pp. 23–40.
- Lipsey, R. E. (2004). "Home- and Host-Country Effects of Foreign Direct Investment." In *Challenges to Globalization: Analyzing the Economics*, edited by Robert E. Baldwin and L. Alan Winters, Pp. 333-82. University of Chicago Press.
- Luo, Y., Q. Z. Xu, and B. J. Han. (2010). "How Emerging Market Governments Promote Outward FDI: Experience from China." *Journal of World Business* Vol. 45 (1). Pp. 68–79.
- Ma, A. C., and A. V. Assche. (2011). "Product Distance, Institutional Distance and FDI." Mimeo. University of San Diego, School of Business Administration.
- Moran, T. (2014). "Foreign Investment and Supply Chains from Emerging Markets: Recurring Problems and Demonstrated Solutions." Working Paper Series 14-12, Peterson Institute for International Economics, Washington, DC.
- Nepelski, D., and G. De Prato. (2015). "International Technology Sourcing between a Developing Country and the Rest of the World. A Case Study of China." *Technovation* Vol. 35. Pp. 12–21.
- Newman, C., J. Rand, T. Talbot, and F. Tarp. (2015). "Technology Transfers, Foreign Investment and Productivity Spillovers." *European Economic Review* Vol. 76. Pp. 168–87.
- OECD (Organisation for Economic Co-Operation and Development). (2014). *Development Co-operation Report 2014: Mobilising Resources for Sustainable Development*. Paris: OECD.

- Polachek, S. W., and D. Sevastianova. (2012). "Does Conflict Disrupt Growth? Evidence of the Relationship between Political Instability and National Economic Performance." *The Journal of International Trade and Economic Development* Vol. 21 (3). Pp. 361–88.
- Quer, D., E. Claver, and L. Rienda. (2015). "Chinese Outward Foreign Direct Investment: A Review of Empirical Research." *Frontiers of Business Research in China* Vol. 9 (3). Pp. 70–326.
- Rizvi, S. Z. A., and M. Nishat. (2009). "The Impact of Foreign Direct Investment on Employment Opportunities: Panel Data Analysis: Empirica."

